روزنامه شرق

دوشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۲۷ ■ ۲۴ آوریل ۲۰۰۶

سال سوم ■ شماره ۷۴۲ ■ ۲۸ صفحه ■ ۱۵۰ تومان

یادی از تاریخ انقلاب

نامه‌ای از مهدی کروبی

اینجانب ضمن پایبندی به عقاید سیاسی و مذهبی خویش، در طول حدود نیم قرن فعالیت سیاسی همراه با مبارزه، ارتباطاتی با اکثر مبارزان ضدرژیم گذشته داشتم که این ارتباطات در داخل و خارج زندان مشهود بود. حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و غیر مسلمان و غیر مذهبی (زندانی در رژیم گذشته) گاه برای رفع مشکلات خود به اینجانب مراجعه می‌نمودند و اینجانب نیز بر حسب وظیفه و در حد امکان از مساعدت‌های ضروری دریغ نمی‌نمودم. . . صفحه ۲

گفت‌وگوی شرق با سرمربی پاس

با امیر عربی و نیما رسول‌زاده رفته بودیم سراغ کسی که هنوز تردید داشتیم بهترین مربی امسال لیگ برتر فوتبال ایران است یا نه. رفته بودیم تا قبل از بازگشت او به ترکیه کمی بیشتر از مشی و رفتارش بدانیم و رفته بودیم تا از راز آن روزی که پاس را تنها گذاشت و قهرمانی را فدای خواسته‌اش کرد، باخبر شویم. گفت‌وگوی ما و مصطفی دنیزلی در شرایطی آغاز شد که فنرباغچه چند ساعت قبل با ۴ گل گالاتاسرای را شکست داده و قهرمانی خود را در لیگ ترکیه قطعی کرده بود. . . صفحه ۲۱

تیترها

فردا صدای مظفرالدین شاه از رادیو پخش می‌شود

صفحه آخر

در طرح یک فوریتی نمایندگان مجلس پیشنهاد شد:

جریمه ۵ میلیون تومانی برای دارندگان ماهواره

صفحه ۷

حکمیت بهزاد نبوی و عسگراولادی در خانه احزاب

صفحه ۶

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۲۰۰ تومان
سکه تمام بهار «طرح جدید»	۱۶۱۰۰۰ تومان
نیم سکه	۷۷۰۰۰ تومان
دلار	۹۱۸ تومان
یورو	۱۱۳۲ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۵۱۴/۷

منشور جبهه دموکراسی‌خواهی آماده شد

گروه سیاسی، محمدجواد روح: منشور جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق‌بشر قرار است فردا در کمیسیون ویژه‌ای توسط موسسان این جبهه نهایی شود. منشوری که هفته گذشته «مصطفی معین» از پایه‌گذاران جبهه دموکراسی‌خواهی، پیش‌نویس آن را به قم برد تا مراجع تقلید را در جریان محتوا و مبنای فعالیت این جبهه جدید سیاسی قرار دهد. جبهه‌ای که سنگ بنای آن در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته گذاشته شد و دکتر معین کاندیدای اصلاح‌طلبان در این انتخابات، تشکیل آن را به‌عنوان یکی از شعارهای اصلی خود مطرح کرد. موضوع تشکیل این جبهه زمانی مطرح شد که صلاحیت معین برای شرکت در انتخابات ابتدا از سوی شورای نگهبان رد و سپس تائید شد. در این شرایط، پس از مذاکره داخلی معین و حامیانش که به شکل کنگره‌ای فوق‌العاده در اوایل خردادماه سال گذشته صورت گرفت، در نهایت معین با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که با لحاظ کردن شرایطی به عرصه انتخابات باز می‌گردد.

در بیانیه‌ای که معین هفتم خردادماه صادر کرد و «الهه کولایی» سخنگوی انتخاباتی وی در نشستی مطبوعاتی آن را به اطلاع خوانندگان رساند، موضوع تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی اعلام شده بود. معین در این بیانیه گفته بود: «من در راه خطیری که پا نهاده‌ام، به یاری خداوند بزرگ و همه شهروندان ایران امیدوارم و برای حرکت قاطع در این مسیر سخت، معتقدم باید در مرحله جدید که «اصلاحات، گامی به پیش» نام گرفته است از توان، همفکری و مشارکت همه نیروها برای تشکیل و پیشبرد «جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق‌بشر» که هم‌اکنون عناصر سازنده آن در جریان انتخابات فعال شده‌اند، بهره‌مند شوم. من این نیروی عظیم خواهان دموکراسی، عدالت، حقوق‌بشر و آرمان‌های معنوی و آزادی‌خواهان ملت را فقط برای تشویق شهروندان به دادن رای نمی‌خواهم. بلکه این نیرو را پشتوانه‌ای محکم برای احقاق حقوق همه زنان و مردان ایران‌زمین به کار خواهم گرفت. اگر در این انتخابات پیروز هم نشوم از تمام توانم برای تحقق «جبهه دموکراسی و حقوق‌بشر» استفاده خواهم کرد.» این جملات، در واقع تعهدی اخلاقی را برای دکتر معین پیش می‌آورد که از فردای روز انتخابات به‌عنوان پرسش اساسی پیش‌روی او بود و هرجا پا می‌گذاشت و خبرنگار، دانشجو یا فعال سیاسی‌ای را می‌دید، از وضعیت جبهه دموکراسی‌خواهی می‌پرسید. این تعهد اخلاقی، البته انتقادات شخص معین را هم برمی‌انگیخت. او پس از انتقاد از نوعی تعلل که میان حامیانش در جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب برای تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی دید، انتقاد کرد و در نهایت، از آنها خواست تا موضع خود را روشن سازند. انتقادهایی که در نهایت منجر به آن شد که این دو حزب اصلاح‌طلب در کنگره‌های حزبی خود که طی تابستان و پاییز گذشته برپا کردند، رویکرد خود به جبهه دموکراسی‌خواهی را اعلام دارند. رویکردهای این دوحزب سیاسی البته متفاوت بود. جبهه مشارکت در کنگره نهم خود که مهرماه گذشته برگزار شد، آمادگی خود برای پیوستن به جبهه دموکراسی‌خواهی را به‌عنوان یکی از تعهدات نامزد انتخاباتی خویش اعلام کرد و این مطلب را در بیانیه پایانی کنگره خویش نیز مطرح ساخت. اما سازمان مجاهدین انقلاب که در زمان انتخابات هم، اعلام کرده بود که در جریان تشکیل چنین جبهه‌ای قرار ندارد، پس از انتخابات هم اعلام کرد که در چنین جبهه‌ای حضور پیدا نمی‌کند.

آغاز جلسات و محتوای منشور

با این شرایط بود که جلسات نخستین برای تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی از اواخر تابستان گذشته و با حضور نمایندگانی از جبهه مشارکت، نهضت آزادی، سازمان ادوار تحکیم وحدت، چندتن از روشنفکران دینی، جنبش مسلمانان مبارز، اکثر چهره‌های جریان ملی - مذهبی و برخی روزنامه‌نگاران و فعالان دانشجویی شناخته شده شکل گرفت. محور و مبنای مشترک چهره‌های حاضر در این جلسات، تاکید آنها بر تامین حقوق بشر و استقرار دموکراسی به عنوان یک ضرورت در شرایط کنونی ایران بود.

با این حال، این نقطه اشتراک بسیار کلی‌تر و کلان‌تر از آن بود که به سرعت مبانی و اصول فکری - تئوریک این جبهه را روشن سازد. از سوی دیگر، مسائل تشکیلاتی و ساختاری جبهه و نیز اهداف مصداقی آن در عرصه سیاست محل پرسش بود. اینکه نیروهای تشکیل دهنده جبهه را صرفاً احزاب تشکیل دهند و یا شخصیت‌های موثر سیاسی به شکل منفرد به جبهه بپیوندند، یکی از این مباحث مطرح بود که مدت‌ها بحث‌های گسترده‌ای را برانگیخت و پیش‌بینی می‌شود طی هفته‌های آینده با تدوین اساسنامه جبهه دموکراسی‌خواهی که چهره‌هایی چون «سعید حجاریان» نقش مهمی در آن دارند، اغلب این پرسش‌ها پاسخ خود را بیابند. هر چند در حد منشور هم این نکته تایید شده که در کنار احزاب شخصیت‌های موثر اجتماعی نیز در تشکیل این جبهه نقش دارند و عملاً این جبهه ترکیبی خواهد شد از شخصیت‌های حقیقی، حقوقی و نهادهای مدنی. نکته دیگری که در آخرین جلسه تصویب منشور جبهه دموکراسی‌خواهی به آن پرداخته می‌شود، رویکرد آن در قبال مسئله انتخابات است. طبق شواهد موجود، جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق‌بشر در انتخابات، لیست نخواهد داد و تنها معیارهای آن انتخابات را از نظر آزاد، سالم و عادلانه بودن می‌سنجد و اعلام می‌کند.

فهرست ندادن در انتخابات البته به معنای غیرسیاسی بودن جبهه نیست. بلکه در حوزه‌های دیگر، قرار است این جبهه عمل سیاسی خود را به دور از مناسبات قدرت سامان دهد. در این زمینه و در حوزه سیاست داخلی، جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق‌بشر به عنوان مولود ناکام مانده انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم که در آن روشنفکران و نخبگان سیاسی با همه تلاش‌ها، نتوانستند نتیجه مطلوب خویش را به دست آورند، می‌کوشد زمینه بازسازی وزن اجتماعی روشنفکران و اصلاح‌طلبان و جلب اعتماد دوباره شهروندان به این گروه‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم سازد. در حوزه عمل سیاسی، پایه‌گذاران جبهه دموکراسی‌خواهی معتقدند که این جبهه موازی هیچ جبهه دیگری نخواهد بود و از فعالیت جبهه‌های موجود (نظیر جبهه دوم‌خرداد) و حتی جبهه‌هایی که احتمالاً در آینده شکل می‌گیرند (نظیر جبهه اعتدال) استقبال می‌کند چرا که وجود این جبهه‌ها را به سود روند دموکراتیزاسیون ارزیابی می‌کند. نکته دیگر مورد تاکید پایه‌گذاران جبهه دموکراسی‌خواهی پافشاری آنها بر الگوی «دموکراسی درون‌زا» است. موضوعی که پافشاری بر آن از سوی این دسته از نیروهای سیاسی طبیعی است چرا که طیفی از آنها پای در نهضت ملی و انقلاب اسلامی دارند (ملی ـ مذهبی‌ها) و طیف دیگر پای در انقلاب و اصلاحات (نیروهای سابق خط امام). تحولاتی که همگی (گرچه با غلظت متفاوت) به نوعی مقاومت در برابر بیگانه یا دست‌کم مخالفت با نقش‌آفرینی خارجیان در مناسبات داخلی ایران در آنها نقش مهمی داشت و یکی از مولفه‌های هویتی این جنبش‌ها و نیروهای موثر آنها را تشکیل می‌داد. پافشاری بر این مسئله در شرایط کنونی که برخی الگوها و گزینه‌های بدیل در نزد پاره‌ای نیروهای سیاسی شکل گرفته که برپایی دموکراسی در ایران در سایه مداخله قدرت‌های خارجی را توجیه و یا حمایت می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد. پایه‌گذاران جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق‌بشر در این زمینه گامی فراتر نهاده‌اند و به پیشنهاد حجاریان بندی از منشور را نیز به دفاع خویش از مقوله «صلح» به عنوان «سویه خارجی دموکراسی» اختصاص داده‌اند. موضوع صلح البته یکی از محورهای شعارهای انتخاباتی دکتر معین نیز بود. چنان که وی شعار «دموکراسی در خانه، صلح در جهان» را سر داد تا الگوی ایده‌آل خویش و حامیانش در عرصه داخلی و خارجی را روشن و از الگوهای بدیل متمایز ساخته باشد.

حجاریان درباره ضرورت توجه این جبهه به مقوله صلح معتقد است: فکر می‌کنم که مقوله «دموکراسی‌خواهی» و «حقوق‌بشر» سویه‌ای کاملاً داخلی دارد یعنی معطوف به مقولات داخلی کشور هستند. همین مقولات را اگر بخواهیم به بیانی خارجی ترجمه کنیم به مقوله «صلح» می‌رسیم که سویه خارجی این جبهه است. یعنی این دولت به میزانی که در داخل موفق‌تر می‌شود کم‌کم مداخلات خارجی‌اش نیز شروع می‌شود و ما می‌دانیم در خارج و در محیط‌های بین‌المللی نیروهای سهمناکی هستند که به راحتی اندک حرکتی از ما را بهانه کرده و دیگر نه بحث از جمهوریت، نه اسلامیت، نه دموکراسی و نه حقوق‌بشر مسئله آتی ما نخواهد بود بلکه بقای ما و حفظ تمامیت ارضی مسئله اصلی خواهد بود. این مشکل بیش از آنکه ضربه به دموکراسی و حقوق‌بشر باشد ضربه به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یعنی همان «استقلال» ما است. لذا جبهه مذکور حتماً باید سویه خارجی را در نظر بگیرد و در این جهت تداوم‌دهنده راهی باشد که خاتمی با طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» آن را پایه‌ریزی کرد. منتها این بار خیلی ملموس‌تر و محسوس‌تر.

ادامه در صفحه آخر

خلاصه منشور

۱- جبهه دموکراسی‌خواهی فهرست انتخاباتی مشترک منتشر نمی‌کند.
۲- جبهه دموکراسی‌خواهی بر دموکراسی درون‌زا و از داخل کشور تاکید دارد.
۳- جبهه دموکراسی‌خواهی از صلح‌طلبی دفاع خواهد کرد.

طرح نهایی شده مجتمع فرهنگی تجاری آزادی

آزادی احیا می‌شود

گروه اجتماعی، مهدی افروزمنش: یکی از معروف‌ترین کلنگ‌زنی‌های تهران قسمت قالیباف می‌شود و مابقی حاضرین فقط می‌توانند در لحظه کف بزنند و در آینده خاطرات یک روز خاص را با آب و تاب برای دوستان و آشنایان تعریف کنند: «وقتی شهردار کلنگ احداث سینما آزادی را به زمین زد من هم آنجا بودم، فقط کمی از ساعت ۴ عصر دوشنبه چهارم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۵ گذشته بود که کلنگ را بر زمین زدند». همه می‌دانند که با افتادن این «کلنگ تاریخی» از آسمان به زمین، نه سال حرف و حدیث درباره مهم‌ترین چاله شهر تهران که بقایای سینما آزادی و شهر قصه است به یک باره پایان می‌گیرد. دیگر نه کسی می‌گوید که سینما آزادی را آتش زدند تا جایش برج بسازند و نه کسی به یاد خواهد آورد که زمانی می‌گفتند، آتش‌سوزی این سینما دنباله همان آتش‌سوزی‌های عمدی مراکز فرهنگی و روشنفکری اوایل دهه هفتاد نظیر کتاب‌فروشی «مرغ آمین» بوده است و احتمالاً این کلنگ آخرین یادبود سالیانه برای سینما آزادی را نیز رقم خواهد زد. قرار است از عصر امروز و پس از پایان مراسم کلنگ‌زنی چاله بزرگ تقاطع عباس‌آباد- وزرا به مجموعه‌ای فرهنگی- تجاری با عنوان مجموعه «آزادی» تبدیل شود.

مجموعه آزادی

مجموعه فرهنگی تجاری آزادی در زمینی به مساحت ۱۹۳۸/۵ متر مربع و در شش طبقه احداث خواهد شد. در مجتمع جدید یک سالن سینمای مدرن با گنجایش ۷۰۰ نفر و ۴ سالن دیگر با گنجایش هرکدام ۲۰۰ نفر در سه طبقه فوقانی ساخته می‌شود. مجتمع‌های تجاری نیز که حوزه هنری و شهرداری بر سر آن به توافق رسیده‌اند به همراه ورودی و یک رستوران در طبقات اول تا سوم احداث می‌شوند. بام این مجتمع نیز به یک رستوران تابستانی اختصاص می‌یابد و در طبقات زیرزمین که شمار آن به ۳ می‌رسد تاسیسات، سالن تفریحات سالم (احتمالاً بیلیارد) و گالری جای خواهند گرفت. این ساختمان هیچ پارکینگی ندارد که البته خرید زمینی در نزدیکی مجتمع و تبدیل آن به یک پارکینگ طبقاتی در دست بررسی است. ساختمان جنوبی تقاطع عباس‌آباد متعلق به مرکز نظارت همگانی ناجا (۱۹۷) و همچنین یک زمین دیگر در پشت مجتمع از مهم‌ترین گزینه‌های موجود هستند. از دیگر ویژگی‌های سینمای جدید آزادی پله برقی ۸/۳۰ متری است که گفته می‌شود بلندترین پله‌برقی تهران خواهد بود. برای احداث مجتمع «آزادی» رقمی بالغ بر ۳۵ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که در صورت پرداخت به موقع از سوی مسئولان، «آزادی» پس از ده و نیم سال مجدد میزبان سینماودوستان خواهد بود. برآورد اولیه از بهره‌برداری تا اواخر سال ۱۳۸۶ حکایت می‌کند و سرمایه‌گذاران امیدوارند از طریق فروش واحدهای تجاری سرمایه و سود سرمایه‌گذاری را در این سال به دست آورند. طرح این مجتمع در سال ۱۳۷۷ و پس از انجام یک مسابقه طراحی از بین ۱۶۰ طرح ارسال شده برگزیده شد. تجمیع کاربری‌های مختلف سینمایی- تجاری- فرهنگی و تفریحی در یک مجموعه به نحوی که مراجعان به هر یک از فضای فوق بتوانند سهولت از دیگر فضاها نیز استفاده کنند از امتیازات این طرح به شمار آمده است. در واقع طراحی به گونه‌ای است که در عین وجود کاربری‌های متعدد و بعضاً متضاد از نظر کارکردی تداخلی مزاحم وجود ندارد. سالن‌های سینما در این مجموعه در مرکز حجم ساختمان قرار گرفته و ارتباط با آنها از طریق استقرار ارتباطات عمودی از قبیل پله‌های برقی و معمولی که از بیرون مجموعه قابل مشاهده است میسر می‌شود. این مسئله کمک می‌کند حضور انسان و حرکت آنها بخشی از نمای بیرونی ساختمان را تشکیل داده و در واقع مجتمع از حالت یک سوژه ایستا برای بیننده بیرونی خارج و به یک حجم سیال مبدل شود. از همین‌رو است که علی عسگری رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران معماری این مجموعه را «چیزی درخور شأن و جایگاه سینما آزادی» عنوان می‌کند. همچنان که شهردار تهران نیز در گفت‌وگو با «شرق» از این مجموعه به عنوان مجموعه‌ای عظیم و زیبا یاد می‌کند که شامل چند سالن سینما و چندین بخش فرهنگی دیگر است. محمدباقر قالیباف همچنین گفت: یکی از دغدغه‌های اصلی ما در شهرداری در طول این مدت، پرداختن به مشکلات و مسائل هنرمندان، به‌ویژه سینماگران بود. وی افزود: اواخر سال گذشته در نشستی که با این دوستان داشتیم به بررسی مشکلات آنها پرداختیم و در آنجا دریافتیم که مشکل اساسی این دوستان و در کل دوستداران سینما، کمبود سالن‌های سینما در پایتخت است. به گفته شهردار از همین‌رو با توجه به اهمیت سینما آزادی و تاخیری که در بازسازی آن در این چند سال وجود داشت تصمیم گرفته شد تا با بازسازی مجدد این مکان فرهنگی، کمکی به سینمای کشور بشود. قالیباف همچنین گفت: سینما آزادی یکی از قطب‌های اصلی سینما در کشور محسوب می‌شود و به نوعی خاستگاه خاطرات بسیاری از هنرمندان و سینماگران بوده است. شهردار تهران در ادامه گفت: در حال حاضر با هماهنگی‌های حوزه هنری، کلنگ بازسازی مجموعه‌ای عظیم را خواهیم زد که شامل چند سالن سینما و چندین بخش فرهنگی دیگر خواهد بود. به اعتقاد قالیباف ما در توسعه جامعه شهری باید به سمتی حرکت کنیم که به تمام محله‌های تهران هویت بدهیم و افقی که در آینده در ذهن داریم رسیدن به جایی است که در اکثر محله‌های تهران مراکز فرهنگی درخور و قابل توجهی داشته باشیم. شهردار در پایان گفت: ما پس از اعلام بودجه به شورای شهر توانستیم شرایطی فراهم کنیم که مبلغ خوبی نسبت به گذشته به طور مستقیم برای ساخت سالن‌های سینما و نمایش اختصاص بدهیم، اما این رقم برای توسعه سالن‌های سینما به تناسب جمعیت شهر تهران کافی نیست و من برای ایجاد یک تناسب معقول میان این دو ناچارم پای بخش خصوصی را به میان بکشم و از بخش خصوصی بخواهم تا در توسعه سالن‌های سینما و فضاهای فرهنگی مشارکت کنند. به گفته شهردار تهران همزمان با بازسازی سینما آزادی، تابلوی روزشمار افتتاح سینما در محل نصب می‌شود تا با پایان یافتن روزهای اعلام شده، این مجموعه افتتاح شود.

ادامه در صفحه آخر

سرمقاله

آزادی جایی برای دوست‌داشتن

رسول صدرعاملی

سال‌های آخر دبیرستان بود. آن وقت‌هایی که آدم دلش می‌خواست با کله به دیوار بکوبد و جهان را عوض کند آن هم برای من که تازه نوشتن را آغاز کرده بودم و چاپ یادداشت‌ها و گزارش‌هایم در مجلاتی مانند مجله فردوسی به من انرژی و نیرو می‌داد که جلوتر بروم. درست به‌موقع و در همین حال و هوا بود که خبر ساخته شدن سینمایی که می‌خواهد فیلم‌هایی را که معمولاً سینماهای دیگر به دلیل خاص بودنشان حاضر به اکرانش نبودند در آنجا نشان دهد. من و همه ما را ذوق‌زده کرد و از آن به بعد سینما شهرقصه شد یکی از پاتوق‌ها. اشتباه نکنم اولین فیلمی را که در شهرقصه دیدم «پنج قطعه آسان» ساخته باب رافلسون بود. یکی از اولین سینماگران نسل معترض آمریکای برآمده از جنگ ویتنام با بازی درخشان بازیگری که آن موقع نمی‌شناختم ولی بعدها شد یکی از اسطوره‌های بازیگری سینما؛ جک نیکلسون. پس از آن، سال‌ها گذشت و ما با سینما شهرقصه سینمایی کوچک در پناه سینمایی بزرگتر یعنی شهرفرنگ رشد کردیم و بزرگ شدیم و در همه این سال‌ها مسجد و حسینیه ارشاد و این سینمای خاص (شهرقصه) شدند آموزشگاه فرهنگی ما تا به انقلاب رسیدیم. انقلاب، سینما را آزادی کرد و همه آن فیلم‌هایی را که درباره‌شان شنیده بودیم و حسرت دیدنشان را داشتیم در سینمای جدید آزادی روی پرده دیدیم. نبرد الجزایر اولین آنها و فیلم‌های گوستا گاوراس و دیگران. رفتیم و رفتیم تا جایی که فیلمسازی بیش از کار مطبوعاتی برایم جذاب شد. فکر می‌کردم حالا می‌توانم دغدغه‌هایم را با مخاطبی انبوه‌تر در میان بگذارم. اینجا نیز همان سینما آزادی رویارویی با مخاطب انبوه را برایم تحقق بخشید، اکران فیلم گل‌های داودی پاییز ۱۳۶۳. هنوز هم خاطره شیرین آن صف‌های طولانی که از گیشه سینما آزادی آغاز می‌شد و تمام طول دانشکده صداوسیما را درمی‌نوردید هرگز فراموش نمی‌کنم. بلیت ۱۰ تا ۱۲ تومانی و فروش‌های ۱۲ میلیون تومانی، ۱۶ میلیون تومانی و ۲۱ میلیون تومانی در شرایطی که بالاترین هزینه تولید بین ۵ تا ۸ میلیون تومان بود. این صف‌های بلند و طولانی همچنان تکرار شد، یکی پس از دیگری: اجاره‌نشین‌ها، شهر موش‌ها، گلنار و خیلی فیلم‌های دیگر. فیلم‌هایی که بدون تکیه دادن به وام‌ها و تبصره‌های دولتی روی پای خود می‌ایستادند و نویددهنده سینمایی نوین و پویا بودند. چشم‌اندازی زیبا و جذاب و دوست‌داشتنی برای رسیدن به یک سینمای ملی و عجیب آنکه با انهدام «آزادی» رویای ایجاد سینمای ملی در همان چشم‌انداز باقی ماند و حالا که خوب فکر می‌کنم انگار شده است سراب. حالا دیگر در این دهه اخیر فیلم‌ها لنگ‌لنگان پیش می‌روند. آن هم با کمک عصای حمایت‌های دولتی. از هر ۵۰ فیلمی که سالانه تولید می‌شود انگشت‌شماری موفق می‌شوند به سرمایه و در مواردی معدود به سودی اندک که چرخه سینمای مستقل را بچرخاند، دست یابند. این گرفتاری کاملاً جدی، مخرب و نابودکننده سینما را بسیاری از همکاران ناشی از کمبود سالن‌های سینما می‌دانند. آنچه که در این سال‌ها منشاء اختلافات و درگیری‌های درون حرفه بوده است، یافتن یک فضای تنفسی برای تولیدکنندگان فیلم که در نوبت‌های طولانی اکران، سرمایه محدودشان از بین نرود، درگیری‌های غم‌انگیزی که بنیه ضعیف سینمای ما را رو به تحلیل می‌برد. سال‌ها است با تغییر دولت‌ها و آمدن و رفتن جناح‌های مختلف سیاسی همه صحبت از لزوم سینماسازی و مجتمع‌های فرهنگی می‌کنند. کلنگ‌هایی زده می‌شود که با تغییرات سریع مدیریتی ادامه نمی‌یابد و فراموش می‌شود. غم‌انگیز است که در یک شهر ۱۳- ۱۲ میلیونی این تعداد سینما آن هم بازمانده از ۳۰ تا ۵۰ سال پیش قرار است جوابگوی نیاز فرهنگی نسل جوانی باشد که طبق آمار بیش از ۷۰ درصد تماشاگران سینما را تشکیل می‌دهند. آن هم در شرایطی که طبق همین آمار متوسط سن اعتیاد به ۱۳ سال رسیده و قیمت انواع و اقسام این مواد از قیمت بلیت سینما خیلی گران‌تر نیست. در چنین شرایطی است که نیاز مراکز فرهنگی برای سوق دادن این همه انرژی و نیروی جوانی به سمت فرهنگ یک ضرورت ملی به نظر می‌رسد. سال‌ها پیش در دوران روزنامه‌نگاری‌ام طرحی در دست بررسی بود که طبق آن تصمیم بر این بود تمام مکان‌های حائل بین تئاترشهر و تالار وحدت (رودکی آن زمان) خریداری شده و یک راسته بزرگ فرهنگی شامل سینما، تئاتر، نمایشگاه و کتاب‌فروشی دایر شود. یک جوری سن میشل برای تهران ۴ میلیونی آن زمان. اما مثل خیلی دیگر از برنامه‌ها برای اقدامات فرهنگی این طرح نیز لابه‌لای طرح‌های اقتصادی سودآور و دهان‌پرکن فراموش شد غافل از اینکه اعتبار یک شهر نه به آسمان‌خراش‌ها و مراکز عظیم اقتصادی بلکه به بناهایی است که نمایانگر اقتدار فرهنگی شهر است.

ادامه در صفحه آخر

انتخابات مجارستان تیتر یک روزنامه‌ها

صفحه اول

آرش فرح‌زاد: آغاز دور دوم انتخابات مجارستان تیتر اول تعدادی از روزنامه‌هایی بود که در روز تعطیل یکشنبه منتشر شدند. روزنامه «فیگارو» با اشاره به آغاز دور دوم انتخابات مجارستان می‌نویسد: «چهار حزب در انتخابات امروز حضور خواهند داشت. اما رقابت سوسیالیست‌های حاکم و راست‌های میانه تعیین‌کننده پیروز انتخابات است. سوسیالیست‌ها امید دارند با پیروزی در دور دوم انتخابات اولین دولتی باشند که پس از تثبیت دموکراسی در سال ۹۰ دو بار پیاپی هدایت کشور را به عهده می‌گیرند. هر کدام از این دو حزب که بتواند در انتخابات پیروز شده و مامور تشکیل دولت شود با توجه به شرایط اقتصادی بسیار وخیم و نیز خسارت‌های سنگینی که سیل اخیر در مجارستان بر جا گذاشته کار دشواری پیش رو خواهد داشت. رهبر ائتلاف راست میانه نیز دولت مجارستان را به سوءمدیریت متهم کرده است.» روزنامه «لاریپوبلیکا» نیز با اشاره به بحران اقتصادی مجارستان می‌نویسد: «آمارهای جدید نشان می‌دهد که کسری بودجه مجارستان از هشت درصد نیز فراتر رفته است. این آمار نشان می‌دهد که مجارستان از این نظر وخیم‌ترین وضعیت را در میان کشورهای اتحادیه اروپا دارد. اگر وضعیت همین‌گونه پیش برود این کشور نخواهد توانست در سال ۲۰۱۰ یورو را به عنوان واحد پولی خود انتخاب کند. سوءمدیریت دولت کنونی مشکلات بسیار زیادی برای مجارستان ایجاد کرده و حزب پیروز باید تمام توجه خود را معطوف به حل این مشکلات و برطرف کردن کسری بودجه شدید این کشور کند. هر دو حزب در دو هفته اخیر تلاش شان بر این بود تا کسانی که دو هفته پیش در انتخابات شرکت نکردند را به پای صندوق رای بکشانند.»

کنکور شرق منتشر شد
از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۸۵/۴
(نوبت دوم)
شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان
رجوع به صفحه ۶

ضایعه درگذشت استاد بزرگ معماری ایران
آقای مهندس سید هادی میرمیران
را خدمت خانواده ایشان و جامعه معماران ایران تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر آرزومندیم.
روزنامه شرق

بقا مختص ذات اوست
درگذشت معمار و متفکر برجسته شادروان مهندس سید هادی میرمیران را به جامعه معماران و مهندسان و خانواده محترمشان تسلیت می‌گوییم.
انشاءالله آثار ماندگار آن مرحوم از جمله طرح جامع و منطقه‌ای کلان شهر اصفهان و طرح تفصیلی شهر اصفهان باقیات و صالحاتی برای ایشان باشد.
سید محمود حسینی